

جمشید شارمهد، شهروند ایرانی - آلمانی اعدام شد



قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز دوشنبه از اعدام جمشید شارمهد که در دوی ربنده و به ایران منتقل شده بود، خبر داد. این اقدام با محکومیت شدید آلمان و ایالات متحده روبه‌رو شد.

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه، روز دوشنبه هفتم آبان بیانیه دادستانی تهران را منتشر کرد که در آن ادعا شده بود جمشید شارمهد در «طراحی عملیات‌های تروریستی متعدد» نقش داشته که یکی از آنها «بمب‌گذاری و انفجار حسینه سیدالشهدا شیراز» بوده است.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۹، آقای شارمهد را به طراحی همین انفجار متهم کرده بود. در انفجار ۲۴ فروردین سال ۸۷ در این حسینه، ۱۴ تن کشته شدند.

خانواده آقای شارمهد این اتهام را «مضحک» دانسته و آن را رد کرده‌اند.

ساعاتی پس از اعلام خبر اعدام این شهروند ایرانی - آلمانی، وزیر خارجه آلمان گفته بود: «اعدام جمشید شارمهد بار دیگر نشان داد چه نوع حکومت غیرانسانی در تهران حکومت می‌کند؛ حکومتی که از (مجازات) مرگ علیه جوانان خود، مردم خود و شهروندان خارجی

استفاده می‌کند».

خانم بایربوک افزوده بود که برلین بارها برای جمهوری اسلامی روشن کرده بود که «اعدام یک شهروند آلمانی عواقب جدی خواهد داشت».

وزیر خارجه آلمان با اشاره به دولت مسعود پزشکیان گفت: «این واقعیت برجسته شده که در دوران دولت جدید نیز هیچکس امنیت ندارد».

آبرام پیلی، معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، نیز اعدام آقای شارمهد را «آخرین اقدام شنیع در تاریخ طولانی سرکوب فراملی رژیم ایران» خواند.

آقای پیلی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «شارمهد از اول نباید زندانی می‌شد. ربایش و انتقال او به ایران و همچنین محاکمه ساختگی و گزارشها درباره شکنجه او شنیع بود».

این مقام آمریکایی تاکید کرد که واشینگتن در همراهی جامعه بین‌المللی به تلاشهای خود برای پاسخگو کردن رژیم ایران ادامه خواهد داد.

آلمان در واکنش به اعدام جمشید شارمهد، سفیر خود را از تهران فراخواند و کاردار جمهوری اسلامی ایران در برلین را به وزارت خارجه احضار کرد.

آنالنا بایربوک، وزیر خارجه آلمان، روز سه‌شنبه هشتم آبان پس از محکومیت صریح اعدام آقای شارمهد، سفیر این کشور را از ایران فراخواند.

وزارت خارجه آلمان در پستی در شبکه ایکس نوشت که «ما شدیدترین اعتراضهای خود را به اقدامات رژیم ایران اعلام کردیم و این حق را برای خود محفوظ می‌دانیم که اقدام بیشتری انجام دهیم».

در این پست همچنین آمده که «سفیر آلمان در تهران به وزارت خارجه ایران رفت و به شدیدترین وجه قتل جمشید شارمهد را محکوم کرد»، و می‌افزاید که آنالنا بایربوک سپس سفیر را برای پاره‌ای مشورتها به برلین فراخواند.

در همین حال، غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد خواستار اثبات

مرگ پدرش شد و با توصیف اعدام‌کنندگان پدرش به عنوان «جهادی‌های بزدل حکومت اشغالگر»، خواستار مجازات آن‌ها شد.

خانم شارمهد روز هشتم آبان تصویری از خود در حساب کاربری‌اش در شبکه ایکس منتشر کرد و در حالی که علامت درفش کاویانی به همراه دارد، با بستن موهایش اعتراض خود را به خبر اعدام پدرش ابراز می‌کند.

او با انتقاد از دولت‌های آلمان و ایالات متحده آمریکا نوشته است: «از آن‌جا که یک تبعه آمریکایی-آلمانی به‌طور وحشیانه و بی‌شرمانه ربوده، شکنجه و چهار سال گروگان گرفته شده و [در صورت تأیید] توسط بزرگترین سازمان تروریستی جهان به تلافی حملات اسرائیل به رژیم، به قتل رسیده است، جمهوری اسلامی باید فوراً با عواقب جدی عملکرد خود مواجه شود».

خانم شارمهد همچنین گفته است که «دولت‌های آلمان و ایالات متحده آمریکا باید اعلام کنند آیا مدرکی وجود دارد که نشان دهد «جهادی‌های بزدل حکومت اشغالگر» پدرم را از ترس به قتل رسانده‌اند؟»

فرزند جمشید شارمهد همچنین با طرح چند پرسش، خواستار ارائه مدرک در زمینه تأیید خبر اعدام پدرش شده و گفته است: «خانواده او هیچ بیانه تسلیت یا اظهارنظری که شامل بازگشت فوری پدرم (مرده یا زنده) و مجازات شدید قاتلان رژیم اسلامی نباشد، را نمی‌خواهد».

او تأکید کرده که در صورت تأیید خبر اعدام پدرش با مدرک ملموس، پیکر او نباید در گروگان «قاتلان رژیم اسلامی» باقی بماند و لازم است فوراً به خانه برگردد تا بر اساس آداب و رسوم زرتشتیان ایران، در آرامش قرار گیرد.

رسانه‌های رسمی و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، این شهروند دوتابعیتی را به عنوان رئیس «گروه تندر»، رسانه منتسب به انجمن پادشاهی ایران در آمریکا، معرفی می‌کردند.

جمشید شارمهد در دادگاه‌های جمهوری اسلامی به «فساد فی‌الارض» متهم شد و دو سال و نیم پس از ربوده شدن و انتقال به ایران در اسفند ۱۴۰۱ با حکم دادگاه انقلاب تهران به «اعدام» محکوم شد.

قوه قضائیه ایران در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ اعلام کرد که حکم اعدام جمشید شارمهد از سوی دیوان عالی کشور تأیید شد.

اولاف شولتز، صدر اعظم آلمان، اعدام جمشید شارمهد را به شدت محکوم کرد و آن را یک «رسوایی» برای حکومت ایران دانست. آقای شولتز در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به جمشید شارمهد در طول دادگاه حتی فرصت داده نشد که از خود در برابر این اتهامات دفاع کند.»

وی در ادامه یادآور شده که دولت فدرال آلمان کارزارهای گسترده‌ای را در دفاع از جمشید شارمهد به راه اندخت. صدراعظم آلمان در نهایت به خانواده آقای شارمهد تسلیت گفته است.

غزاله شارمهد، دختر آقای شارمهد، مرداد ماه سال گذشته خواستار اقدام فوری آمریکا و آلمان برای نجات جان پدرش شده بود. این شهروند دو تابعیتی سال‌ها در آمریکا اقامت داشت.

بیانیه دادستانی تهران در ادامه ادعای خود، آقای شارمهد را وابسته به سازمان‌های جاسوسی غربی، آمریکایی و اسرائیلی معرفی کرده است.

وزیر خارجه آلمان پیشتر اعلام کرده بود جمشید شارمهد در هیچ مقطعی از شرایط دادرسی عادلانه برخوردار نبوده و جمهوری اسلامی باید حکم خودسرانه اعدام علیه او را فوراً لغو کند.

به گفته خانواده جمشید شارمهد، او که از سال ۱۳۸۱ در شهر لس‌آنجلس آمریکا سکونت داشت، در مرداد سال ۱۳۹۹ در جریان سفری به امارات متحده عربی، توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در دبی ربوده و به ایران منتقل شد.

جمهوری اسلامی سابقه طولانی در بازداشت و زندانی کردن شهروندان دو تابعیتی و مخالفان مقیم خارج از ایران دارد.

با این حال چند سال اخیر دستکم در دو مورد که شامل روح‌الله زم و حبیب‌اسیود می‌شود، علاوه بر ربایش آن‌ها از عراق و ترکیه، این دو نفر را اعدام کرد.

متن بالا برگرفته از رادیو زمانه

با دیدگاه‌های نهادهای گوناگون جمهوری‌خواهی آشنا شویم



اولین نشست از سلسله گفتگوهای نهاد های جمهوری خواه، برای روشن کردن دیدگاه‌ها و برنامه‌های آنان در راستای همفکری، همگرایی و همکاری با دیگر نهادهای مشابه، روز سه شنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴، در زوم برگزار می شود.

در این نشست «جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران»، به تشریح دیدگاه‌های خود در زمینه های ضرورت و چگونگی همکاری و همگرایی بین جمهوری خواهان و مشکلات، موانع موجود خواهد پرداخت.

این نشست ها هر دو هفته یک بار در روزهای سه شنبه، به مدت دو ساعت (از ساعت ۲۰ تا ۲۲ به وقت اروپای مرکزی) برگزار خواهند شد. در هر نشست یک نهاد جمهوری خواهی به طرح و تشریح نظرات خود خواهد پرداخت.

امید است که نهادهای جمهوری خواهی به دیدگاه های مشترکی برای همکاری و همگرایی برسند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۴ اکتبر ۲۰۲۴

سه شنبه ۲۲ اکتبر ساعت ۲۰

آدرس تالار زوم:

Beitreten Zoom Meeting

<https://us02web.zoom.us/j/88269669571?pwd=zk1bzERmcoPrQ55tKjcntorb4k3zrj.1>

Meeting-ID: 882 6966 9571

Kenncode: 338690

“اسرائیل انسانیت خود را از دست داده است”

گفتگویی با گیدئون لوی

پیر باربانی در گفتگویی با گیدئون لوی، روزنامه نگار اسرائیلی، در سالگرد ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ اسرائیل در غزه، کرانه باختری و لبنان.



گیدئون لوی (Gideon Levy) ، یکی از معدود صداهایی است که علیه جنگ در غزه و اشغال کرانه^۱ باختری صحبت می کند.

گیدئون لوی، از سال ۱۹۸۲ به یک وجدان بیدار در روزنامه^۲ هاآرتص تبدیل شده است. او بطور مداوم از سرزمینهای اشغالی فلسطین بازدید می کند و در نوشته های خود، بعنوان یک ستون نویس معتبر، اشغال و آپارتاید را محکوم می کند. او که پدربزرگ و مادربزرگش در اردوگاه کار اجباری نازیها جان خود را از دست داده اند، ترسی در انتقاد از سیاستهای دولت اسرائیل ندارد.

– وقتی شنیدید در ۷ اکتبر ۲۳ چه اتفاقی افتاده است، چه چیزی به ذهنتان خطور کرد؟

– صادقانه بگویم. اول، که شنیدم فلسطینیها از حصار عبور کرده اند فکر کردم، “اوه، دیوار برلین فرو می ریزد.” من واقعا چنین حسی داشتم، و حتی شادی خاصی احساس کردم. من فکر می کردم غزه نمی تواند تا ابد در قفس و با موانع جدی زندگی کند. فکر می کردم ممکن است شاهد اعتراضاتی باشیم که به نوعی آزادی منجر شود.

در چند ساعت اول، مجبور بودم طبق معمول ستونم را بنویسم. سردبیر روزنامه با من تماس گرفت و به من اطلاع داد که صدها اسرائیلی کشته شده اند، تا آنموقع هنوز این را نمی دانستم. فهمیدم که دیوار برلین نیست و نظرم را تغییر دادم. در پایان روز، مشخص شد که اتفاقات وحشتناکی رخ داده است. با این وجود

باید به زمین^۱ آنچه در آن روز اتفاق افتاد نیز توجه داشت. برای همه کار دلیلی وجود دارد. این بدان معنا نیست که من همه چیز را توجیه می‌کنم. اما، آیا فکر می‌کنید که دو - سه میلیون نفر به مدت هیجده سال در بزرگترین زندان جهان زندگی کنند و آن را برای همیشه بپذیرند؟ ۷ اکتبر به وحشیانه ترین شکل اتفاق افتاد، اما پس از هیجده سال زندان، مردم می‌توانند دیوانه شوند.

– نتانیاهو ادعا می‌کند که اسرائیل حق دفاع از خود را دارد. اما پس از ۴۱۰۰۰ کشته در غزه، آیا می‌توانیم در مورد “دفاع” صحبت کنیم؟

– این یک شوک و یک ضرب^۲ روحی بود. من به کیبوتس‌ها و روستاهایی رفتم که دو روز بعد مورد حمله قرار گرفتند. صحنه‌های وحشتناکی دیدم. نمی‌خواهم حادثه را کوچک جلوه دهم. اما فکر می‌کنم گویا امروزه می‌توانیم هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم.

آیا می‌توانیم ۴۱۰۰۰ نفر را بکشیم بدون این که کسی حق داشته باشد به ما بگوید که این جنایتکارانه، غیرقانونی و نسل‌کشی است؟ می‌توانیم ۱۷۰۰۰ کودک را بکشیم و بگوییم این دفاع از خود است؟ نه. اسرائیل حق دارد از خود دفاع کند، اما نباید مرتکب نسل‌کشی نشود. ۷ اکتبر به اسرائیل این آزادی را نمی‌دهد که مانند یک وحشی رفتار کند.

تقریباً یک سوم از سی و چهار هزار و سیصد و چهل سه قربانی، زیر هیجده سال سن داشته‌اند. تازه، این فقط شامل آنهائی است که شماره یا کارت هویت داشته‌اند.

– چرا اکثریت مردم اسرائیل این طرز تفکر را می‌پذیرند؟

– جامع^۳ اسرائیل یکی از بدترین لحظات تاریخ خود را می‌گذرانند. پس از ۷ اکتبر، مردم معتقدند تنها کاری که باید انجام دهند انتقام است.

آنها از آنچه اتفاق افتاده شوکه شده‌اند و فکر می‌کنند جایی برای همدلی با فلسطینیها و هیچ محدودیتی برای تجاوز به حقوق آنها وجود ندارد. این امر حمایت باورنکردنی تقریباً همه اسرائیلی‌ها از جنگ در غزه و لبنان را توضیح می‌دهد.

ابراز همدلی با فلسطینیها تقریباً جنایتکارانه محسوب می شود. معلمان شغل خود را از دست داده اند، فلسطینیهای ساکن اسرائیل به خاطر آن اتفاق دستگیر شده اند. جامعه^۱ اسرائیل در ۷ اکتبر بسیار تغییر کرد، ولی نه بسوی بهتر شدن.

– اما راست افراطی قبل از اینها انتخاب شده بود...

– درست است. اما همه چیز پس از ۷ اکتبر نمایان شد. نژادپرستی، نفرت از فلسطینیها، خونخواهی، حرص و طمع بدوی برای انتقام، برای مجازات: همه چیز مشروع شده است.

۷ اکتبر همچنین، به اصطلاح چپ اسرائیل، را کشت. تظاهراتی که در اینجا می بینید بسیار چشمگیر است، اما مخالف جنگ نیست. اشتباه نکنید: این علیه نتانیا هو است، برای آزادی گروگانهاست، نه علیه قتل عام و نه گرسنگی در غزه. در مورد آنچه ما در لبنان انجام می دهیم هم نیست.

– جامعه^۲ اسرائیل چگونه می تواند ادامه یابد؟

– انتظار تغییر در جامعه^۳ اسرائیل بسیار دشوار است. او در حال حاضر کاملاً نابیناست. شستشوی مغزی شده است. هیچ از صلح، یا از همبستگی با مردم فلسطین و رنج آنها صحبت نمی کند. این مردم حس همدلی خود را از دست داده اند. آنها فلسطینیها را به عنوان انسان نمی بینند.

دولت اسرائیل انسانیت خود را در این جنگ از دست داده است، و جامعه^۴ اسرائیل نیز همینطور. دولت می تواند هر کاری که می خواهد انجام دهد، هیچکس در این کشور اهمیتی نمی دهد. مردم همدلی خود را از دست داده اند. آنها فلسطینی ها را به عنوان انسان نمی بینند. برای آنها، هم^۵ ساکنان غزه در 7 اکتبر کشته شدند.

– آیا مردم اسرائیل دقیقاً می دانند که در غزه چه می گذرد؟

– نه، آنها نمی دانند زیرا رسانه های اسرائیلی از نشان دادن

واقعیت به جامعه اجتناب می کنند. دانستن این که ۱۰۰۰ کشته وجود دارد یک چیز است و دیدن تصاویر کودکان گرسنه و در حال مرگ در کف بیمارستانها چیز دیگری است. شهروندان فرانسوی بیش از هر اسرائیلی دیگری که یک ساعت دورتر از غزه زندگی می کند، تصاویر غزه را دیده اند.

– این امر در عصر وجود شبکه های اجتماعی چگونه امکان دارد؟

– این به لطف همکاری رسانه های “آزاد” که مانند رسانه های روسی رفتار می کنند امکان پذیر است. نه به دلیل فشار یا سانسور دولت. به دلیل ملاحظات تجاری. ما می دانیم که مردم از ما چه انتظاری دارند؛ آنها نمی خواهند ببینند، نمی خواهند بدانند. پس ما آنها را نشان نمی دهیم، مگر در هاآرتص. ما در قرن بیست و یکم هستیم، اینترنت هست، شبکه های اجتماعی وجود دارد، اما شما باید بخواهید ببینید. ما باید انتخاب کنیم که ببینیم. اگر علاقه ای ندارید، چیزی نمی بینید. بیشتر، اگر نگوئیم همه، اسرائیلی ها نمی خواهند بدانند. روزنامه^۱ هاآرتص، یکی از آخرین سنگرهای مخالف راست افراطی اسرائیل است و در حال حاضر توسط نتانیاهو تهدید می شود.

– چگونه می توان آنچه را که خراب شده است تعمیر کرد؟

– من مطمئن نیستم که همه چیز قابل تعمیر باشد. من نمی دانم چگونه می توانیم از این وضعیت خارج شویم در حالی که اسرائیلی ها امید خود را به هر نوع حل و فصل و همزیستی از دست داده اند، در حالی که اکثر اسرائیلی ها معتقدند که هم^۲ فلسطینیها حماسی هستند و هم^۳ فلسطینیها نخبه هستند، یعنی نیروهای ویت^۴ حماس که در ۷ اکتبر مرتکب قتل شدند.

من نمی دانم چگونه این بازسازی ممکن است وقتی هیچ رسانه و هیچ رهبری در اسرائیل وجود ندارد که سعی در تغییر اوضاع داشته باشد. من راه حلی نمی بینم، مگر این که جامع^۵ بین المللی شروع به اقدام کند، همانطور که با روسیه پس از حمله به اوکراین یا آفریقای جنوبی انجام داد، مبارزه با آپارتاید. روسیه در عرض چند هفته به اوکراین حمله کرد. اسرائیل به غزه و اکنون به لبنان حمله کرده است.

چه کسی در مورد تحریم ها علیه اسرائیل صحبت می کند؟ هیچکس.

– در اروپا و فرانسه، انتقاد از اسرائیل برابر با متهم شدن به یهودستیزی است...

– آن را نادیده بگیرید. این یک دستکاری بدبینانه در تبلیغات اسرائیل است. یهودستیزی وجود دارد و باید با آن مبارزه کرد. اما هم^۱ کسانی که از اسرائیل انتقاد می کنند به خاطر خدا ضد یهود نیستند! به این دلیل که اکثر آنها افراد با وجدانی هستند. وقتی یک شهروند فرانسوی قتل عام کودکان را می بیند و فریاد می زند "بس کن!"، بر سر دولت خود فریاد می زند که کاری انجام دهد. این چه ربطی به یهودستیزی دارد؟

در این دام نیفتید که هیچکس جرأت نمی کند یک کلمه در مورد اسرائیل بگوید. آنها می گویند حق ندارید از اسرائیل انتقاد کنید، اما شما باید بدانید وظیفه دارید این کار را انجام دهید.

این دستکاری تبلیغاتی بسیار مؤثر است زیرا اروپا فلج شده است. پنجاه سال است که اشغال و استعمار صورت می گیرد. می توانید نتایج آن را ببینید.

فلسطینی ها هرگز اشغال را نخواهند پذیرفت. آیا مردمی را می شناسید که آماد^۲ زندگی بدون حقوق شهروندی باشند؟ هر مخالف روسی تابعیت روسیه را دارد. هر مبارز آفریقایی راه آزادی دارای شهروندی است. نلسون ماندال تابعیت داشت.

– وقتی دیوان بین المللی دادگستری از نسل کشی احتمالی در غزه صحبت می کند، اسرائیل این احتمال را به دلیل امکان مجدد هولوکاست رد می کند. به این کار چه می گویند؟ آیا شما متقاعد می شوید؟

– نه. این مرا متقاعد نمی کند. قربانیان بزرگترین نسل کشی تاریخ باید در مورد نسل کشی مردم دیگر حساس تر هم باشند. اما اسرائیلی ها برعکس عمل می کنند. آنها معتقدند که پس از هولوکاست، ما حق داریم هر کاری را که می خواهیم انجام دهیم. و هیچکس نمی تواند به ما بگوید چه چیزی مجاز است و چه چیزی نیست، چه چیزی اخلاقی است و چه چیزی نیست.

* منتشر شده در نشریه اومانیته - ششم اکتبر ۲۰۲۴

<https://www.humanite.fr/monde/guerre-israel-hamas/israel-a-perdu-son-humanite-dans-cette-guerre-denonce-gideon-levy>

به مناسبت ۱۰ اکتبر، روز جهانی نه به اعدام



بیانیهی مشترک چهار نهاد جمهوریخواه

بدیهی است که هر انسانی در جهان متمدن امروزی دارای حق زندگی می باشد. امری که در بیشتر کشورها به رسمیت شناخته و اجرای مجازات اعدام کنار گذاشته شده است.

ایران یکی از کشورهای امضا کننده پیمان جهانی حقوق بشر و ملزم به اجرای تمام مفاد آن است. اما شوربختانه یکی از کشورهای ناقص آن و از معدود کشورهایی است که با عدم امضای پروتکل اختیاری الحاقی دوم سیاسی مدنی، نه تنها هنوز حکم اعدام را اجرا می کند، بلکه نوجوانان زیر ۱۸ سال را نیز به اعدام محکوم می کند.

در میان تمام کشورهایی که همچنان قانون اعدام را اجرا می کنند، ایران به نسبت جمعیت خود، بالاترین رقم اعدامیان را دارد.

بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، شمار اعدام های انجام شده در جهان بیش از ۳۰٪ نسبت به سال قبل افزایش داشته و به مرز ۱۱۵۳ رسیده است. البته این رقم شامل هزاران اعدامی در چین نمی شود. ایران با ۸۵۳ اعدام در مقام نخست اجرای مجازات اعدام قرار دارد که در مجموع ۷۶٪ اعدامها در جهان است.

جمهوری اسلامی از بدو حیات خود به خاطر ساختار تبعیض آمیز، متناقض و غیر دموکراتیک آن، همواره برای حفظ بقایش، علاوه بر زندان و شکنجه، از مجازات اعدام به عنوان ابزار اصلی سرکوب و ایجاد رعب و وحشت استفاده می کند. به بهانه "مبارزه با مواد مخدر" و یا به بهانه "قوانین شرعی قصاب" از مجازات اعدام برای ایجاد ترس و ارعاب جهت خاموش کردن صدای آزادیخواهان، دیگرانديشان و سرکوب مبارزات مردم استفاده می کند.

آمار و اسناد نشان می دهند که اعدام ها نه تنها هیچ تاثیری در کاهش مبارزات مردم علیه رژیم نداشته، حتی در جلوگیری از باندهای مافیاهای مواد مخدر و قتل های "ناموسی" و دیگر آدم کشیهای جنایی هم تاثیر ندارد و همیشه اثر معکوس داشته است. به طوری که امسال تعداد اعدامیها خیلی بیشتر از سال های گذشته است و افراد زیادی، اعم از سیاسی یا غیر سیاسی، در انتظار اجرای حکم اعدام خود هستند.

ما در همبستگی با تمام نهادهای سیاسی دموکراتیک و حقوق بشری در ایران و جهان، خواهان مشارکت همه آزادیخواهان در کارزار "نه به اعدام" هستیم. ما خواهان لغو فوری مجازات اعدام و احکام صادر شده در ایران و سراسر دنیا هستیم.

ما از کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" زندانیان، کاملن پشتیبانی کرده و همبستگی خودمان را با آنان اعلام می کنیم.

جبهه ملی ایران - اروپا

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

حزب جمهوری خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران

سازمان های جبهه ملی ایران در خارج از کشور

۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ برابر با ۱۹ مهر ۱۴۰۳



عامل اصلی فاجعه انفجار معدن
زغال سنگ در طبس، بی‌کفایتی
حکومت اسلامی در اداره ایران

است .



کشته شدن بیش از ۵۰ کارگر معدن و وضعیت نامعلوم ده ها کارگر زنده به گور در زیر کوهی از آوارها، یادآور زلزله طبس و صدها سانحه مرگبار کارگری دیگر است. اگر چه همه این فاجعه ها به ظاهر طبیعی هستند، اما چاره و راه حل انسانی برای پیشگیری دارند.

امروزه سران دروغگوی دولتی و عوامل رشوه گیر و فاسد آن اعلام می کنند که انفجار معدن یک حادثه طبیعی است و هیچ ایرادی در کار گردانندگان و مسئولان نبوده است! در صورتی که شواهد نشان می دهند، برای جلوگیری از احتمال انتشار گازهای زیر زمینی و انفجار در معدن و خطرات ناشی از آن، اقدامات لازم صورت نگرفته بود و تونلها وسایل ایمنی، هواکش و تهویه های لازم را نداشته اند. یکبار دیگر میبینیم که رژیم جمهوری اسلامی، کوچک ترین ارزشی برای جان کارگران قائل نیست.

ما یقین داریم که کارگران ایران، دانشجویان و فرهنگیان... در سراسر کشور، این بولیفاقتی وزارت کار و اداره های دولتی و بخش خصوصی را بی پاسخ نخواهند گذاشت و به آن اعتراض خواهند کرد. با اعتراض یکپارچه همه آحاد و قشرها می توان با این وضعیت مقابله کرد و پرونده رژیم فاسد کنونی را برای همیشه در هم پیچید و از این بلایای ناشی از بی توجهی انسانی کاست و با سیاست های درست از تکرار آنها جلوگیری کرد.

ما با اندوه فراوان، به از دست دادن هم وطنان کارگر و زحمت کش خود در این معدن شوم اعتراض میکنیم و با بازماندگان و خانواده های آنان همدردی می کنیم و این فاجعه را به تمام ملت ایران تسلیت می گوئیم.

ما از همه مردم ایران می خواهیم برای نجات زنده بگوران بکوشند و به یاری بازماندگان قربانیان بشتابند.

ما آماده کمک رسانی از برون مرزی هستیم. از تمام نیروهای ملی و دموکراتیک و شخصیت های ایرانی در خارج از کشور درخواست می کنیم، ستادهای امداد رسانی تشکیل دهیم.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
حزب جمهوری خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران
۲ مهر ماه ۱۴۰۳ برابر با ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

Parti
Républicain
Social-
Démocrate
et Laïc d'Iran
(PRSDLI)



حزب
جمهوریخواه
سوسیال دموکرات
ولائیکه ایران



در حمایت از حقوق زنان در ایران

در دومین سالگرد جنبش زن، زندگی، آزادی، تعدادی از سازمان‌های مدافع حقوق زنان و حقوق بشر در سطح جهانی خواستار آزادی فوری زنان مدافع حقوق بشر و حمایت از حقوق زنان در ایران شدند.

بیانیه

۲۶ شهریور، دو سال از کشته شدن مهسا ژینا امینی در بازداشت پلیس گشت ارشاد و اعتراضات گسترده متعاقب آن که منجر به ظهور جنبش زن، زندگی، آزادی در ایران شد، می‌گذرد. اعتراضاتی که جرقه آن با اعتراض زنان و درآوردن روسری‌هایشان و سردادن شعار زن، ژینا آزادی در مراسم خاکسپاری مهسا ژینا امینی و فراخوان تجمع اعتراضی گروه‌های فمینیستی در تهران آغاز شد و به سرعت به دانشگاه‌ها و شهرهای مختلف ایران گسترش پیدا کرد.

جنبش زن، زندگی، آزادی نقطه تقاطع گروه‌های مختلفی از مردم تحت ستم در ایران و لحظه‌ای مهم از مقاومت در برابر ستم جنسی-جنسیتی، قومی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی بود. لحظه‌ای که زنان با حمایت دیگر مردم تحت ستم از کردها و بلوچ‌ها تا معلمان، دانشجویان و کنشگران در یک مبارزه جمعی علیه نقض حقوق اساسی‌شان با هم متحد شدند.

در جریان این اعتراضات هزاران نفر از معترضان دستگیر شدند، و دستکم ده تن از معترضان دستگیرشده اعدام شدند. بازداشت و حبس هزاران نفر در سراسر ایران که بر اساس تخمین سازمان‌های حقوق بشری حداقل ۲۰ هزار نفر بوده‌اند، شرایط دشواری را در زندان‌ها رقم زده بود. کمبود غذا و امکانات بهداشتی و حتی جای خواب و ناتوانی سیستم قضایی برای رسیدگی به پرونده‌های بازداشت‌شدگان در نهایت منجر به آن شد که در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ قوه قضاییه ایران، با اعلام عفو عمومی، بیش از هشتاد درصد دستگیرشدگان بدون سابقه پیشین بازداشت را آزاد کند. براساس آمارهای رسمی در جریان این عفو، دستکم [پرونده ۲۲ هزار نفر](#) از معترضان مورد بخشودگی قرار

گرفت. اگر چه در جریان این عفو عمومی هزاران معترض دستگیرشده آزاد شدند، اما بسیاری از کنشگران و به خصوص فمینیست‌ها و زنان مدافع حقوق بشر که به باور نیروهای امنیتی ایران نقشی جدی در شعله‌ور شدن اعتراضات و فمینیستی‌شدن مطالبات داشتند، در زندان باقی ماندند و یا در ماه‌های بعدی دستگیر و زندانی شدند.

در دو سال گذشته به موازات ادامه مقاومت و مبارزه روزمره زنان در خیابان برای تحمیل سبک پوشش انتخابی‌شان، آنهم برغم خشونت‌های فزاینده پلیس گشت ارشاد که بعد از یک وقفه چندماهه بار دیگر به خیابان‌های ایران برگشت، کنشگران زن زندانی در زندان‌های سراسر ایران نیز، مبارزه و مقاومت را از درون زندان ادامه داده و به باور بسیاری خط مقدم مبارزه علیه نقض حقوق بشر و ادامه‌دهنده جنبش زن، زندگی، آزادی بوده‌اند.

زنان زندانی با اعتصاب غذا، صدور بیانیه، نامه‌های اعتراضی جمعی و با تحصن در داخل زندان و رساندن صدای اعتراضشان به بیرون از زندان، جانی دوباره به جنبش سرکوب‌شده زن، زندگی، آزادی می‌بخشند و به‌رغم احکام سنگین زندان، یک لحظه هم از پیگیری مطالبات جامعه مدنی پا پس نمی‌کشند. علاوه بر این، حضور این زنان در بندهای عمومی زندان‌هایی مانند لاکان رشت و روایت‌گری آن‌ها در مورد شرایط زندان، نوری بر نقض حقوق زندانیان و وضعیت اسفبار زندانیان در زندان‌های عمومی تابانده است. آن‌ها در زندان نیز روحیه کنشگری‌شان را به‌کار گرفته و تلاش می‌کنند تا وضعیت زیستی زندان را برای همه زندانیان بهبود بخشند. از همین رو است که در حال حاضر تعداد قابل توجهی از کنشگران مدافع حقوق زنان در زندان‌های سراسر ایران تحمل کیفر می‌کنند. از تهران و زندان اوین گرفته تا رشت و زندان لاکان. از شیراز و زندان عادل آباد تا زندان سپیدار در خوزستان.

اکنون دستکم ۲۵ زن مدافع حقوق بشر در ارتباط با جنبش زن، زندگی، آزادی در زندان‌ها به سر می‌برند و شمار دیگری نیز در دادگاه‌ها محاکمه شده و در آستانه زندانی شدن هستند. زنانی که با خاموش شدن جنبش در خیابان و برداشته شدن نگاه‌ها از وضعیت ایران، نام‌شان رو به فراموش شدن است.

ما امضا کنندگان این بیانیه، تلاش‌های این زنان را ارج می‌نهمیم که به همراه سایر نسل‌های کنشگران زن ایرانی نقشی حیاتی در آگاهی امروز جامعه ایران در حوزه زنان دارند.

ما سازمان‌های مدافع حقوق بشر از حکومت ایران می‌خواهیم:

▪ فوراً و بدون قید و شرط تمامی مدافعان حقوق بشر زندانی در زندان‌های ایران و از جمله این زنان مدافع حقوق بشر را آزاد کند.

▪ به سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود علیه زنان و خشونت سیستماتیک علیه آن‌ها در خیابان‌ها پایان دهد.

▪ حق انتخاب و آزادی زنان بر بدنشان را به رسمیت بشناسد و قانون تبعیض‌آمیز حجاب اجباری را که بیش از چهار دهه زندگی و روزمره زنان ایرانی را تحت تاثیر قرار داده است، لغو کند.

▪ مجازات غیرانسانی اعدام را لغو و به خصوص به صدور حکم اعدام علیه مدافعان حقوق بشری چون شریفه محمدی پایان دهد.

ما همچنین از سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای، می‌خواهیم که اخبار وضعیت دستگیرشدگان را پیگیری کنند، برای آزادی آنان به مقامات ایرانی فشار بیاورند. ما گروه‌ها و سازمان‌های فمینیستی را نیز فرا می‌خوانیم تا به شیوه‌های مختلف از صدور بیانیه تا برگزاری تجمع،

به حمایت از حقوق زنان ایرانی و مطالبه آزادی پوشش و خودمختاری جسمانی‌شان ادامه دهند.

امضاکنندگان:

ARC-Asia Protection Network for Artists at Risk ▪
Connection
AWID ▪
Femena ▪
Front Line Defenders ▪
Gulf Centre for Human Rights ▪
Human Rights Watch ▪
Kurdistan Human rights Network ▪
Kurdpa ▪
Miaan Group ▪
OMCT ▪

Regional Coalition of WHRDs in SWANA (MENA) Region ▪
Women Human Rights Defenders International Coalition ▪
(WHRDIC

منبع از سایت: Human rights watch

[لینک به متن فارسی](#)